

## اشاره

این روزها یک بار دیگر کتاب «آموزش: گنج درون» ژاک دلور<sup>۱</sup> را خواندم و به ژرف اندیشی وی آفرین گفتم که در چهار رکن آموزش، آخرین مرحله و رکن رکن آموزشی را که نشانه اعتلای روح انسانی است «چگونگی باهم زیستن» قلمداد کرده است. دلور اندیشمند سیاسی که او را یکی از معماران اتحادیه اروپا می‌نامند در این کتاب که پیامی به کمیسیون جهانی یونسکو در آموزش است بر ضرورت آموزش برای زندگی کردن با هم تأکید می‌کند. وی که واضع «سیاست‌های همگرایی» اعضای کشورهای اروپایی با هم بود بر وحدت و اتحاد میان انسان‌ها ابرام می‌کند و به زبان مولانا می‌گوید «اتحاد یار با یاران خوش است». هدف کتاب دلور هدایت انسان‌ها به سوی جمع‌گرایی، زنده نگه داشتن روح جمعی، تجربه کار گروهی و احترام به تنوع و گوناگونی و مدارا در برابر کسانی است که مانند ما نیستند. آموزش زمانه ما، یاد گرفتن باهم بودن و باهم زیستن است تا بتوانیم در بستر گفتگو و ارتباط و «مفاهمه» نه صرفاً مکالمه، به تفاهمی نسبی دست یابیم و سعادت‌مندان روزگار بگذرانیم. به زعم نویسنده کتاب، آموختن صرفاً به خاطر اندوختن علم، آموختن برای کاربرد و زندگی کردن و آموختن برای انجام سهل‌تر کارها نیست بلکه غایت آموزش یاد گرفتن با هم زیستن است، چیزی که هنوز یاد نگرفته ایم و رخدادهای پیرامونمان شاهد این ناموختن‌هاست. در دنیایی که مشحون از تنوع و گوناگونی است، باید احساس غریبگی و دوگانگی را کنار نهیم و یگانگی خود را بازیابیم. زبان تنوع را بیاموزیم و راه مراوده با دیگرانی که ظاهراً مانند ما نیستند یاد بگیریم و تمرین کنیم و این الزامی است که برای توفیق در عرصه‌های فردی، سازمانی، ملی و جهانی، برای اهل خرد روشن و موجه می‌نماید. خداوند عالم، انسان‌ها را به صورت‌های گوناگون، موجودات را به اشکال و اطوار مختلف، گیاهان و گل‌ها را در رنگ‌ها و ریخت‌های بدیع آفریده و همه این آفریده‌ها را یکسان دوست داشته و پرتو رحمت خود را بر همه‌ی آنان به تساوی تابانده است. «همه خواهی» خصلت والای خداوندی است و «گزیده‌خواهی» صفت خودخواهان و فروفکران است. این اندیشه که همه باید مانند ما بشوند تجربه تاریک و مضمحل

---

<sup>۱</sup>. Jacques Dolors, Learning: The Treasure within

تاریخی است و یکسان‌سازی آزمونی شکست خورده و ناکام است. «گزیده‌خواهی» به این معنا که آن‌هایی را که چون ما می‌اندیشند و عمل می‌کنند محترم می‌شمیریم و دیگران را شایسته حرمت نمی‌دانیم؛ مردود است و «همه‌خواهی» به این معنا که برای دیگران با مسلک‌ها و منش‌ها، و آیین‌های دیگر احترام قائلیم و با مدارا و تسامح در کنار هم زندگی می‌کنیم، نشانه اعتلای اندیشه ورزی و انسان شدن ماست.

در «همه‌خواهی» مواهب بسیاری است، زیرا در تنوع و رویارویی افکار و نظرات زاینده‌گی وجود دارد و نوآوری و شکوفایی رخ می‌دهد. در حالی که در «گزیده‌خواهی» یک اندیشه تکرار می‌شود و مردابی ساکن از تکرار یک اندیشه به وجود می‌آید و زایشی رخ نمی‌دهد. در غیاب تحول و نو شدن، فناپذیری سرنوشت محتوم گزیده خواهان است.

در «همه‌خواهی» افراد تحمل دیگران و بردباری در شنیدن سخنان دیگران را تمرین می‌کنند، زبان تنوع را می‌آموزند و انعطاف‌پذیری را تجربه می‌کنند و از خشکی و جزمیت درمی‌آیند و خاصیت زندگی جمعی انسانی را پیدا می‌کنند. در این ارتباط و مشارکت اندیشگی، پیوند افکار رخ می‌دهد، نظرات جدید کشف می‌شوند و زندگی از غنای بیشتری برخوردار می‌شود.

در «همه‌خواهی» نگاه و نگرش‌ها وسعت پیدا می‌کنند، از تفاوت‌های ظاهری که صورت‌اند، نه معنا، گذر می‌کنیم و همه انسان‌ها را در ذیل موجودی به نام بنی بشر می‌یابیم و این گذر بیکرانه ما را از بیگانگی‌ها و چندگانگی‌های سیاسی و ایدئولوژیک به سوی یگانگی رهنمون می‌شود و انسانیت ما را به رحمان می‌کشد.

در دیدگاه عارفانه انسان فقط با «دریا شدن» و «جای گرفتن در زنجیره بزرگ هستی» می‌تواند از بیگانگی رهایی یابد. «منی» رهرو باید در «اوئی» دوست رنگ بازدهد، سالک دردمند و دور مانده از یار فقط با غرق شدن در «بحر کلی» می‌تواند رهایی یابد.<sup>۲</sup>

کوتاه سخن آنکه در این کثرت نظرات و دیدگاه‌ها باید از ظواهر و صورت بگذریم و به اصل و گوهر که همان یگانگی‌ها و نقاط مشترک انسانی است دست یابیم و به وحدتی در عین کثرت برسیم. ما قبل از آنکه متفاوت

<sup>۲</sup> اسلاوی ژبژوک، شب جهان، مقدمه، ترجمه حسن زاده، تهران نشر نی ۱۴۰۱

باشیم در گوهر اصلی وجودمان متشابه‌ایم و صاحبان بصیرت برای همگرایی به تشابهات انسان‌ها نظر دارند و از این رو یگانگی و با هم بودن را بر هم بودن اولی می‌دانند. برای زندگی جمعی و جهانی در این دنیای پر از گوناگونی باید چگونگی «باهم زیستن» را یاد بگیریم و در تمامی وجوه زندگی «همه‌خواهی» را جایگزین «گزیده‌خواهی» کنیم و بدانیم که: یک گهر بودیم همچون آفتاب - بی‌گره بودیم و صافی همچون آب

(مولانا)

سردبیر